

# سازمان میراث فرهنگی؛

## دوران ایستائی به پایان رسیده؟

نوشته دکتر پرویز درجانیوند



بدون انجام پژوهش‌های علمی، پزشک تربیت کنند و پذیرش برای دوره‌های تخصصی را در چارچوب سهمیه، و نه توان علمی استوار سازند. نارسائی‌ها در زمینه کار وزارتخانه‌های: آموزش و پرورش - فرهنگ و آموزش عالی - بهداشت و درمان و آموزش پزشکی آنچنان پر شمار است که بر شمردن همه آنها در این مقدمه کاری است نشدنی و هر یک گفتاری مستقل را می‌پذیرد که امیدوارم بدانها بپردازم.

### یک ادغام نسنجیده

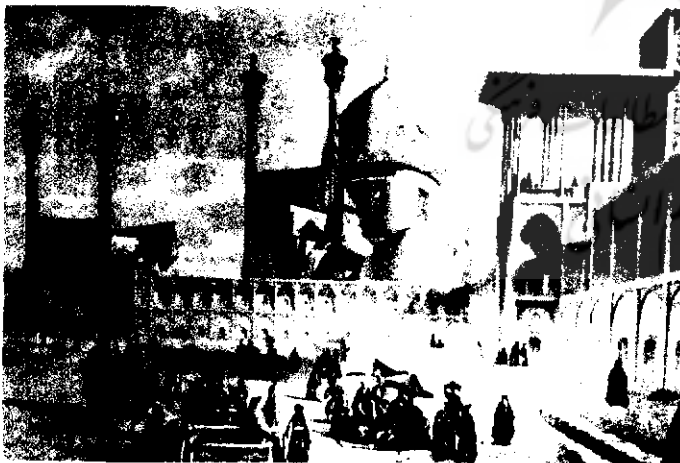
از نظرخواهی‌های به عمل آمده، جسسته گریخته چنین بر می‌آید که گویا حساسیت مردم به نسبت پنج بر یک متوجه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بوده است. (این نظرسنجی از سوی برخی دست‌اندرکاران و علاقه‌مندان به مسائل روابط جمعی انجام گرفته و جنبه رسمی و اعلام شده ندارد.) وزارتخانه مزبور از آغاز انقلاب تا کنون بیش از

می‌کنند، نگران آنند که سازمانها و نهادهای مسئول کارهای فرهنگی بر چه منوال سامان خواهند گرفت. نگران آنند که کار «سانسور» کتاب و نوشته، فیلم، موسیقی، روزنامه‌ها و مجله‌ها و ... به کجا خواهد کشید. می‌خواهند بدانند که تازه از راه رسیده‌هایی به عنوان «امور تربیتی» تا چه حد به کار «مفتشی» خود ادامه خواهند داد و آموزگاران و دبیران را با تنگناهای غیرموجه درگیر خواهند کرد و در باره هر جمله‌ای که نپسندند آنها را مورد ملاحظه قرار خواهند داد. می‌خواهند بدانند که تا کی استادان صاحب اندیشه را باید از محیط دانشگاهها دور نگهداشت و بسا جوسازیها اجازه نداد تا استادان صاحب‌اندیشه در بستری آزاد کلاسها را اداره کنند و تا کی باید نگران آن باشند که بازمانده استادان صاحب صلاحیت در اوج تواناییها بازنشسته شوند و جای خود را به تازه از راه رسیدگان از صافی گذشته بسپارند و روز به روز از توان علمی دانشگاهها کاسته شود. تا کی باید

«انسبوه‌سازی» در تمامی رشته‌ها به عنوان اساس کار آموزش عالی در کشور جایگزین تربیت نیروهای انسانی با کیفیت علمی و دانش بالا شود و مسابقه گشایش شعبه‌های دانشگاه آزاد بسا شعبه‌های بانکها ادامه بیاید و هر آموزشکده‌ای بعد از یکی دو سال به

از زمان انتخاب جناب آقای خاتمی به عنوان ریاست جمهوری، با وجود آنکه بحران اقتصادی و فشار تورم بخش عظیمی از مردم این سرزمین را به ستوه آورده و فقر جامعه را دچار اندوه کرده است، با اینحال توجه ملت هوشمند ایران بیش از همه به جنبه‌های اساسی فرهنگی جلب شده و امید دارند که کاری بنیادین در این زمینه سرنوشت‌ساز انجام شود. ملت ایران به عنوان یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین ملتهای فرهنگ ساز جهان بر این امر باور دارد که برای برون شد از چنبر تمامی نابسامانیها و گام‌نهادن در راه بازسازی و دستیابی به شکوفائی پیشرفت و توسعه می‌بایست موجبات باروری فرهنگ جامعه و پویائی آنرا فراهم آورد. می‌بایست به ایجاد فضای باز و برکنار از بسته اندیشی‌های لازم داد و شرایطی را فراهم ساخت تا آرمانخواهان با تکیه بر غنای فرهنگ توانای ملی جامعه را به اندیشیدن، برقراری گفت و شنود میان دیدگاهها، تقدپذیری و جرأت در کار اندیشیدن و بیان اندیشیده‌ها در بستر حفظ استقلال کشور و وحدت ملی رهنمون شوند، سخن در باره اهمیت و نقش بنیادین فرهنگ ملی در پاسداری از استقلال میهن، کیان ملی و تحکیم وحدت ملی و کوشش برای ساختن جامعه‌ای سالم، مرفه، بدور از سلطه و توانا در جهان ملتها نیاز به گفتاری گسترده دارد که می‌کوشیم در مجموعه‌ای از گفتارها بدان بپردازیم.

گفتیم که مردم با وجود همه گرفتاریها و فشارهای اقتصادی که تا مغز استخوان خود آنرا احساس



یک نقاشی از نقاشی گمنام که میدان نقش جهان را در دوران صفویه نشان می‌دهد. میدان کنونی چه شباهتی به این نقاشی دارد؟

دیگر وزارتخانه‌ها، هم از نظر مردم و هم از نظر حاکمیت، مسئله‌ساز بوده است. از آنجا که در آغاز کار دولت موقت مدتی مسئولیت سرپرستی این

دریافت عنوان دانشگاه مفتخر شود؟ تا کی می‌خواهند در دانشکده‌های بدون استاد صلاحیتدار، بدون آزمایشگاه، بدون کتابخانه، بدون سالن تشریح مجهز و

وزارتخانه که در آن هنگام «فرهنگ و هنر» نام داشت بر عهده من بود، تصور می‌کنم حرفهای بسیاری برای گفتن داشته باشم. از جمله اینکه چرا و چگونه تصمیم گرفتند این وزارتخانه مادر را نستجیده در وزارت «علوم و آموزش عالی» ادغام کنند. من در استعفانامه پانزده صفحه‌ای خود در باره لطمه‌ای که از این رهگذر بر فعالیت‌های فرهنگی و هنری کشور وارد خواهد شد سخن گفتم و امیدوارم در زمان لازم بتوانم در باره آن به تفصیل توضیح بدهم.

یکی از دلایل عمده‌ایکه انحصار طلبان را واداشت تا دست به این اقدام بزنند، تلاشهایی بود که از نخستین روز حضور در وزارتخانه، یعنی چهارم اسفند سال ۱۳۵۷ در جهت حفظ فضای باز فرهنگی به عمل آمد. به شهادت مصاحبه‌های مختلف رادیویی و تلویزیونی کوشیدم تا در آن جزو پرآشوب، از اهمیت نقش موسیقی در زندگی جامعه، ضرورت نبود سانسور دولتی، بهادادن به فرهنگ ملی، ارج نهادن به آئین‌های ملی، پاسداری از ارزش‌ها و میراث فرهنگی و ... سخن بگویم و زیر بار محدودیت‌ها و مورد حمله قرار دادن چهره‌های فرهنگی و هنری نروم. با قاچاقچیان اشیاء عتیقه که می‌خواستند با گرفتن فتوا با میراث‌های فرهنگی کشور به عنوان «کنز» برخورد کنند و با دادن «خمس» آن، بقیه را به تاراج ببرند بشدت برخورد کردم و در همان

چند روز اول در برابر حمایت یک فرد قدرتمند در یکی از شهرهای تاریخی از منتهی بساز و بفروش که یک بنای کم‌نظیر تاریخی را برای دسترسی بهتر به زمین‌هایشان با بولدوزور ویران کرده بودند، بدون واهمه ایستادم و کار به دادگستری کشانیده شد. این اشاره‌ها بدان دلیل بود تا یادآور شده باشم که با مسائل و مشکلات این وزارتخانه آشنایی لازم دارم و به عنوان فردی که از دوردستی بر آتش داشته باشد سخن نمی‌گویم.

حوزه فعالیت این وزارتخانه از گستردگی بسیار برخوردار است و به اعتباری تمامی زمینه‌های فعالیت‌های فرهنگی و هنری کشور را در بر می‌گیرد. در همان مدت کوتاهی که سرپرستی وزارتخانه را

بر عهده داشتم، به دلیل همین گستردگی زمینه فعالیت‌ها و در پیوند بودن مسائل باهم، بر آن گشتم تا به یاری جمعی وسیع از صاحبزنان، استادان، اندیشمندان و کارشناسان توانای کشور زمینه‌های مختلف را مورد بررسی قرار دادم، اصول و هدفهای بنیادین را مشخص و برای رفع مشکلات و ایجاد فضای مناسب و فراهم ساختن امکانات، برنامه‌ریزی کنیم. در انجام این منظور از حدود ۲۸۰ تن از چهره‌های مورد اشاره دعوت به عمل آمد و با تشکیل کمیته‌های تخصصی مختلف (حدود ۲۴ کمیته) از



این عکس را سردیور ماهنامه ۲۸ سال قبل در گورستان متروکه‌ای نزدیک مقبره صفی‌الدین اردبیلی برداشته است. سنگ قبری است حجاری شده و با ارزش. از این گونه سنگ قبرها در آن دوران در قبرستان مزبور فراوان دیده می‌شد. اما حالا یکی از آنها برجا مانده است؟

باستان‌شناسی و مردم‌شناسی گرفته تا موسیقی، نمایش، سینما، موزه، کتابخانه، تاریخ، زبان و ادبیات، صنایع دستی، روابط فرهنگی، مرمت بناهای تاریخی و حفظ بافت‌های شهری و غیره، کار بررسی آغاز شد. نمایندگان کمیته‌ها هر هفته دو بار در یک جلسه مشترک ستادی حضور می‌یافتند و مسائل خود را عنوان می‌کردند و به بحث می‌گذاشتند، سرانجام کار کمیته‌ها پایان گرفت و گزارشهای نهائی در نشست همگانی ارائه گشت.

اشاره به این امر بدان خاطر بود که وزیر محترم فرهنگ و ارشاد بدانند که چنین مجموعه‌ای در دستگاه وزارتخانه ایشان وجود دارد. مجموعه‌ای که به همت استادان و صاحبزنان و کارشناسان صاحب نام

کشور تهیه گردیده است. افرادی که برخی در نهایت اندوه چهره در نقاب خاک کشیده‌اند، برخی به آواره‌گی از وطن تن در داده‌اند و بیشتر آنهایی که در ایران حضور دارند گوشه گرفته‌اند و بسیاری از آنها با شوق به این سرزمین و این فرهنگ هنوز به یاری یزدان پاک کار آفرینش را پی می‌جویند.

اگر قصد بر انجام کاری ریشه‌دار و اساسی باشد، این مجموعه گزارشها می‌تواند برای کوشندگان مفید باشد و در هر زمینه، دست کم دستمایه‌ای برای برنامه‌ریزان بشمار آید.

در این نوشته در پی آنچه که در بالا بدان اشاره رفت لازم می‌دانم نکاتی چند را در باره «سازمان میراث فرهنگی» و زمینه‌های کاری آن یادآور شوم. امید که در دیگر زمینه‌ها چون: آفرینش‌های هنری - کتاب و نشریات - نمایش و سینما - موسیقی و بالاخره ایرانگردی و جهانگردی نیز در آینده نکاتی را عنوان کنم. آنچه من را بر آن داشت تا به طرح این مسائل بپردازم آن بود که گروهی از انسانهای پاک و شریف و میهن‌دوست و با صداقت چنین می‌پندارتند که رئیس جمهور برگزیده شده بر آن است تا طرحی نو در اندازد و اوضاع را سامان آورد. از این رو از افرادی که عمری در برابر رفتار شلخته گسرانسه، کج رویها، انحصارطلبی‌ها، بسته‌اندیشی،

فساد، بی‌حرمتی به فرهنگ ملی - اسلامی، بی‌قانونی و تجاوز به حقوق مردم و ... موضع گرفته و رنج زندان و هرگونه فشاری را تحمل کرده‌اند، می‌خواهند تا به ایشان فرصت بدهند. از آنجا که نیروهای ملی که همواره حرمت فرهنگ دیرپای این کشور، و از جمله فرهنگ درخشان اسلامی آن را پاس داشته‌اند هیچگاه فرصت طلبانه در جهت دستیابی به موقعیت و مقام تلاش نکرده‌اند و موضوع گیربهاشان جنبه شخصی نداشته است، بدون شک اگر رئیس جمهوری را در احترام به اصول دیدگاههای شفاف و اعلام شده نیروهای ملی و در انجام وعده‌هایشان به ملت مصمم ببینند، بجز نقد کردن و هشدار دادن که وظیفه هر فرد آگاه ملت است، در جهت ایجاد تنش گام بر نخواهند

اجتماعی ←

داشت. این همه بدان شرط است که اصول بنیادین و در سر همه آنها پاسداری از استقلال و یکپارچگی کشور و تحکیم وحدت ملی، ارج نهادن بر فرهنگ ملی، استقرار حاکمیت ملی، تلاش برای ایجاد فضای آزاداندیشی، کوشش در راستای دستیابی به جامعه‌ای قانونمند و حرکت در جهت دستیابی به رفاه و اقتصادی شکوفا در خدمت همه ملت لحظه‌ای به فراموش سپرده نشود و گامی بر خلاف آنها برداشته نگردد.

با این نگرش است که نکاتی چند را در باره سازمان میراث فرهنگی و نقش و وظایف آن بیان می‌دارد.

۱- اینکه چرا این سازمان با ترکیب و شکل سازمانی کنونی بوجود آمد و از وزارت فرهنگ و ارشاد جدا و به وزارت علوم و آموزش عالی پیوست، بحثی است که آنرا به فرصت مناسب و مناسب می‌گذارم. اینک که این سازمان به عنوان سازمانی وابسته به وزارت فرهنگ و ارشاد در آمده، جا دارد یادآور شوم که ایجاب می‌کند این سازمان از امکان واحدهائی چون معاونت سینمائی فراوان بهره بجوید. زیرا که هر گونه فعالیت این سازمان باید در جامعه بازنمایی گسترده بیابد و این میسر نیست مگر واحد سینمائی به گونه‌ای تنگاتنگ با آن همکاری داشته باشد.

۲- چنانچه توجه به محدود بودن تعداد دفترهای این سازمان در

شهرهای مختلف کشور، به ویژه در زمینه حفظ بناها، مجموعه‌ها و تک بناها و جایگاههای باستانی و تاریخی، ایجاب می‌کند اداره‌های فرهنگ و ارشاد با آن همکاری نزدیک داشته باشند و آنرا در انجام برنامه‌ها و وظایفش یاری دهند.

۳- چنانچه توجه به لطمه‌های شدیدی که طی چند سال اخیر در جریان مرمت و بازسازی آستانه‌ها، امامزاده‌ها و مکانهای مذهبی، پربناهای تاریخی وارد آمده ایجاب می‌کند تا هر سازمانی، به ویژه اوقاف، بدون برنامه و نظارت سازمان میراث فرهنگی از انجام هرگونه مرمت در این آثار خودداری کند.

۴- به منظور برنامه‌ریزی اساسی و همه جانبه در

زمینه انجام کاوشها و پژوهش‌های باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، حفظ و نگهداری یافته‌های شهری و روستاهای کهن، مرمت بناهای باستانی و تاریخی به ویژه به منظور تعیین اولویت یا در مورد انجام کاوشها و هدف‌مند ساختن برنامه‌های پژوهش باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، ایجاب می‌کند تا یک شورایی عالی پژوهشی مرکب از استادان و صاحب‌نظران توانای کشور تشکیل شود و بر تمامی برنامه‌ها نظارت کامل داشته باشد. این افراد باید از میان شخصیت‌های برجسته علمی برگزیده شوند و از هیچ مقام و قدرتی

تقویت شود و توسعه بیابد تا بتوان نسبت به بررسی بسیاری از زمینه‌های مربوط به مردم‌شناسی ایران که دستخوش دگرگونی و نابودی است اقدام فوری به عمل آورد. جمع‌آوری بسیاری از آگاهی‌های مربوط به جامعه عشایری، روستائی و شهرهای کوچک به خاطر و آگاهی‌های افراد سالمند این جوامع از یکسو، و ابزارهای سنتی مورد مصرف آنها از سوی دیگر بستگی دارد و این هر دو در خطر از دست رفتن هستند. سه دیگر، انجام بررسی‌های مربوط به ایجاد دگرگونیها در جوامع عشایری و روستائی از نظر ساخت اجتماعی، ضرورتی است که باید بدان ارج گذارد و بخشی از پژوهش‌های مردم‌شناسی را در این راستا قرار داد. پدیده‌ای که نیاز به انجام برگزاری سمینارها و برنامه‌ریزی‌های اساسی دارد.

شهرروزی که می‌گذرد بر بخشی از بافتهای شهری و روستاهای قدیم لطمه وارد می‌گردد و بخش‌هایی از آنها به ویرانی می‌گراید. سیاست غلط اداره باستان‌شناسی و بعدسازمان ملی حفاظت آثار باستانی و امروز میراث فرهنگی در جهت نادیده گرفتن بخش‌های وسیعی از بسافت‌های قدیمی شهرها، مجموعه‌ها و تک بناها، به ویژه آثار مربوط به یکصد سال اخیر و بی‌توجهی کامل به روستاهای قدیمی، سبب شده تا لطمه‌ای جبران‌ناپذیر به این آثار وارد آید. درحالیکه امروز شعار مبارزه با

این عکس رانیز ۲۸ سال پیش سردیبر ماهنامه در روستای سرعین اردبیل برداشته است. روستائی که اینک شهر شده و دیگر نمی‌توانی زنان و مردان را در لباس ایلپاتی ببینی. بسیاری از آداب و رسوم این مردمان و مردمان سایر مناطق کشور چون لباسهای سنتی شان از بین رفته است. مگر از بین رفتن میراث‌های فرهنگی یک کشور فقط به غارت اشیای عتیقه آن منحصر می‌شود؟

دستور نپذیرند. به شهادت لطمه‌هایی که طی این سالها بر آثار تاریخی کشور وارد گشته است، شورا باید از آنچنان توانی برخوردار باشد که نگذارد فاجعه‌هایی نظیر ویران کردن حمام خسرو آقا در اصفهان، مسجد جامع ارومیه، ارگ تبریز و نابودی رصدخانه مراغه رخ بدهد.

شورا باید برای بازشناسی ناشناخته‌های بسیار دورانهای مختلف، طرح جامع کاوشهای هدفمند باستان‌شناسی را در برنامه‌های کوتاه مدت و بلندمدت تهیه و به مورد اجرا گذارد.

۴- با توجه به روند سریع دوران دگرگونی، ایجاب می‌کند تا واحد بررسی‌های مردم‌شناسی از هر نظر

بدست داد. تا کنون موضوع ثبت آثار تاریخی در عمل در گروی میزان اعتبارهای مالی سازمان میراث فرهنگی بوده است. در قبال و بعد از انقلاب متولیان حفظ آثار تاریخی برای آنکه خود را زیر بار مالی نبرند از ثبت بسیاری از آثار خودداری کرده‌اند. با تشکیل شورای عالی پژوهش، ایجاب می‌کند تا بر اساس گزارشهای هیأت‌های کارشناسی باستان‌شناسی - معماری هرچه سریعتر موجبات حفظ و نگهداری از بافت‌های شهرها و روستاها در قالب «حفظ هویت» آنها فراهم آید و دولت را موظف ساخت تا براساس طرح جامعی که از سوی شورای عالی با همکاری وزارت مسکن و شهرسازی و معاونت شهرداریهای وزارت کشور تهیه خواهد شد، امکانات اجرای آنرا فراهم آورد.

۶- ایجاب می‌کند تا طرحی جامع در باره فعال ساختن گنجینه‌ها (موزه‌ها) به مورد اجرا گذارده شود تا سکوت سنگینی که بر آنها حکمفرما گشته شکسته شود و مردم، به ویژه نسل جوان با رغبت به بازدید از آنها بپردازند و از این رهگذر با فرهنگ و میراث ملی خویش پیوند برقرار سازند.

۷- بخش میراث مشترک دگرگونیهایی سیاسی در منطقه در پی فروپاشی شوروی و به صحنه آمدن هشت جمهوری آسیایی در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی، یک فرصت طلایی را برای ایران بوجود آورد تا بار دیگر بر روی حوزه گسترده فرهنگ ایرانی تکیه کند و پیوندهای دیرین را استوار بسازد. کار مهمی که به عنوان اساسی‌ترین زمینه سیاست کوتاه مدت و بلندمدت می‌بایست مورد توجه قرار می‌گرفت. ولی در نهایت اندوه چنین نگشت و به دلیل ناتوانی دیپلماسی ایران، در کوتاه‌مدت این فرصت را از دست دادیم. اینک برای جبران کار، گذشته از تلاش دیپلماتیک، مهم‌ترین گام می‌بایست در زمینه فعالیت‌های فرهنگی برداشته شود.

برای این کار باید در زمینه‌های گوناگون در جهت بررسی‌های میراث مشترک در تمامی زمینه‌ها در پیوند با منطقه قفقاز از یکسو و جمهوریهای آسیای مرکزی و افغانستان از سوی دیگر حرکتی بنیادین و متکی بر برنامه صورت پذیرد و به گونه‌ای حساب شده و جدی پی جسته شود.

باید در سازمان میراث فرهنگی بخش فعالی برای هم‌آهنگی کاوشهای باستان‌شناسی، حفظ و نگهداری

## در حالی که شعار مبارزه با «تهاجم فرهنگی» می‌دهیم، ساکت نشسته‌ایم و تخریب بناها و نمادهای تاریخی را که بخشی از هویت فرهنگی ما است نظاره می‌کنیم.

جزوه‌های لازم به فارسی و روسی و در صورت امکان به زبانهای هر یک از جمهوریهایی تهیه، و در کانونهای فرهنگی آنها بخش شود. چنانکه ایجاد این مرکز به مورد اجراء گذارده شود، طرحهای مختلف در باره نحوه فعالیت‌های آن در اختیار گذارده خواهد شد.

امید که سازمان میراث فرهنگی بتواند با دوران رکود و ایستایی گذشته وداع بگوید و بسا بهره جستن از کارشناسان توانایی پرباره خود مرحله نوینی را آغازگر باشد.

مرحله‌ای که به دوران تلخ تصمیم‌گیریهای چون فروش اشیاء باستانی مشابه ۱۹۹۱ و اشیاء هنری و واگذاری فعالیت‌های فرهنگی به شرکت‌ها و کنسار

گذاردن باستان‌شناسان با تجربه و سپردن مسئولیت به تازه واردان ناآشنا با القاب میراث فرهنگی پایان داده شود.



و مرمت، بناهای تاریخی و پژوهش‌های باستان‌شناسی و مرمت اشیاء موزه‌ها و موزه‌آرانی ایجاد بگردد. برای این کار می‌بایست از چند چهره معتبر از کشورهای مزبور برای عضویت در این بخش و شورای آن دعوت به عمل آید. یا بدست‌کم برنامه

انجام دو تاسه کاوش باستان‌شناسی مشترک در سرزمین‌هایی چون تاجیکستان و ترکمنستان تهیه و با اعتبار لازم به مورد اجراء گذارده شود. ایجاب می‌کند که طرح مناسبی در مورد مرمت بناهای تاریخی افغانستان و تاجیکستان که در جریان درگیریها بشدت لطمه دیده‌اند تهیه شود و از یونسکو بخواهیم تادرا اجراء آن‌ها را یاری دهد. ایجاب می‌کند تا نسبت به برگزاری نمایشگاه - سمینارهای مختلف در باره باستان‌شناسی - مرمت بناهای تاریخی - مردم‌شناسی - موزه‌ها با شرکت دانشمندان آن سرزمین‌ها در ایران و کشورهای مزبور اقدام بگردد.

به منظور نشان دادن جنبه‌های مشترک فرهنگی، ضرورت دارد تا پژوهش‌ها و



آژانس هواپیمایی

مجد سیر



نمایندگی فروش بلیط‌های هواپیمایی  
ایران ایر و کلیه خطوط بین‌المللی  
(خارجی و داخلی)

(فروش بلیط ارزان قیمت به تمام نقاط دنیا)

تهران: خیابان ستارخان، خیابان شهردار، مقابل

اداره گذرنامه، پهن ۱۶، مدری محمدی، پلاک ۲/۲

کدپستی ۱۴۴۳۷ تلفن: ۹۷۷۶۴۴ - ۹۷۷۶۴۴ - ۹۸۳۶۴۴

فاکس: ۹۷۸۹۲۵